بررسی تأثيرات توليد مواد مخدر بر دولت ملی افغانستان

**مجيد بوالوردی[[1]](#footnote-1)\***

مقدمه:

حدود پنجاه سال است که معضل مواد مخدر در سطح جهان به صورت يك مشکل فراگیر برای همه کشورها درآمده است و در سراسر جهان، کمتر کشوری وجود دارد که مواد مخدر یکی از مشکلات عمده مردم و جامعه آن نباشد.

قاچاق مواد مخدر يكی از تجارتهای درجه اول در دنیاست. این تجارت، بعد از نفت و اسلحه، سومین تجارت سودآور دنیا می باشد. اما به علت ماهیت پنهان آن برآوردهاي متفاوتي از حجم مالی در گردش آن ارائـه مي‌شود. طبق نظر كارشناسان ماليG8*[[2]](#footnote-2)* در برآوردي محتاطانه حجم گردش مالي اين تجارت بين 500 ميليارد تا 5/1 تريليون دلار تخمين زده مي‌شود. این حجم پول قابلیت عظیمی در ایجاد تغییرات در یک کشور دارد و می‌تواند آثار شگرفی بر ساختارهای هر کشوری بگذارد.[[3]](#footnote-3)

تأثیرات تولید و عرضه مواد مخدر در هر کشور ابعاد گوناگونی از قبیل امنیت ملی، اقتصاد، سیاست خارجی، فرهنگ و... را بر می‌گیرد که البته از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند. در مقاله زیر سعی شده آثار این بحران بر دولت ملی افغانستان بررسی شود.

ويژگیهای تجارت مواد مخدر

این صعنت دارای ویژگیهای خاصی به شرح زير است:

1. اين تجارت متكي بر تقاضا و معطوف به صادرات است؛

2. تجارت مواد مخدر كاملاً بين‌المللي است و در تمام نقاط دنيا وجود دارد؛

3. عنصر حياتي اين تجارت، تطهير پول است؛

4. انجام دادن معاملات مواد مخدر لزوماً خشونت‌آميز است. بنابراين شبكه‌هاي ترور، علاوه بر كاركرد اجرايي و حفاظتي، ابزارهاي رقابت و پشتيباني نيز هستند؛

5. اين تجارت جهت فعاليت، به نفوذ كردن در نهادهاي اصلي جامعه نياز دارد. قاچاقچيان مواد مخدر ناگزيرند مقامات محلي و ملي، پليس، گمرگ، قضات، سياستمداران، بانكداران، شبكه‌هاي حمل و نقل و روزنامه نگاران را به خدمت خود درآورند و راهكارهاي آنها براي اين منظور پول و تهديد است.[[4]](#footnote-4)

سابقه توليد مواد مخدر در افغانستان

برخلاف تصورغالب، رشد سريع توليد ترياك نه در افغانستان، كه در كشور همسايه آن پاكستان آغاز شد. پاكستان از اوايل دهه1980 میلادی به يكي از بزرگترين توليدكنندگان ترياك در جهان تبديل شده بود و سالانه800 تن ترياك را، كه معادل 80 درصد توليد جهاني آن زمان بود، به بازار مصرف ارائه مي‌داد.[[5]](#footnote-5)

اگرچه بيشتر اين مواد براي صادرات توليد مي شد ولي آرام آرام خود پاكستان نيز از عوارض آن در امان نماند؛ كشوري كه در سال 1979 میلادی حتي يك نفر معتاد به هروئين در آن وجود نداشت، در سال 1986 ميلادي نزديك به 000/65 نفر و در سال 1992 ميلادي تقريباً سه ميليون نفر معتاد هروئيني داشت كه برآوردهاي بعدي در سال میلادی تا رقم پنج ميليون نفر را نشان مي‌دهد.

از سوي ديگر تجارت، فعاليتهاي تجار و صنعت در پاکستان به شدت به وسيله پول نامشروع مواد مخدر انجام مي‌گرفت؛ و اقتصاد سياه، كه بين30 تا 50 درصد كل اقتصاد پاكستان به حســاب مي آمد، به وسيله پول مواد مخدر حمايت مالي مي‌شد.

تنها بعد از عقب نشيني اتحاد شوروي از افغانستان بود كه فشار غرب و ايالات متحده بـــــــر اسلام آباد، تلاش در خصوص كاستن از توليد ترياك در پاكستان، آغاز شد. طي دهه90 میلادی غرب نزديك به 100 ميليون دلار كمك براي مبارزه با مواد مخدر در اختيار پاكستان قرار داد. محصول خشخاش از ميزان بالاي800 تن به 24 تن در سال 1977 و دو تن در سال 1999 به شدت كاهش يافت.[[6]](#footnote-6)

آغاز تهاجم شوروي به افغانستان و شروع جنگ جهادي با اشغالگران و ضرورت تأمين مالي هزينه‌هاي آن، سياستهاي سختگيرانه دولت پاكستان در مورد كشت خشخاش و جايگزيني آن با كشت غلات و از بين رفتن كنترل دولت مركزي افغانستان بر بخشهاي روستايي این کشور، افغانستان را كه مستعد اين توليد بود، به آرامی به يكي از بزرگ‌ترين توليدكنندگان مواد مخدر در جهان تبديل كرد.

در دهه1980 اكثر فرماندهان مجاهدين افغاني از درآمد مواد مخدر براي تأمين نيازهاي نظاميشان و افزودن بر ثروت خود بهره مي بردند. اين عمليات از سوي سازمان اطلاعات ارتش پاكستان (ISI) هدايت و سازماندهي مي‌شد. ترياك توليد شده در افغانستان به پاكستان انتقال مي‌يافت و بعد از تبديل شدن به هروئين از طريق بندر كراچي به اروپا صادر مي‌شد.[[7]](#footnote-7)

سازمان اطلاعات ايالات متحده آمريكا نيز از اين عمليات اطلاع داشت؛ ولي همان گونه كه در ويتنام از تجارت مواد مخدر به توسط چريكهاي ضد كمونيست حمايت مي كرد در افغانستان نيز تمام توجه خود را به شكست دادن نيروهاي روسي متوجه كرده از تباني بين مجاهدين و سوداگران مواد مخدر، ارتش و سازمان اطلاعات پاكستان چشم‌پوشي مي كرد.

حركت طالبان در سال 1994 میلادی با تصرف قندهار آغاز شد و در سال 1996 با تصرف كابل كامل شد. در حدود90 درصد از كل خاك افغانستان به تصرف اين گروه درآمد. تهيه سلاح و ملزومات جنگي و حقوق سربازان نياز به منابع مالي كلاني داشت كه خارج از توان گروه طالبان بود. پشتيبانان خارجي، مانند ايالات متحده آمريكا و عربستان سعودي، ديگر مانند زمان جنگ سرد حاضر به ارائه بي‌حد و حصر كمك نبودند. بنابراين اين گروه به طرف آسان‌ترين راه، يعني كشت و صدور ترياك و هروئين، روي آورد تا بتواند هزینه‌های خود را تأمین نماید.

در بين سالهاي 1992 تا 1995 ميلادي افغانستان به طور منظم 2000 تا 2400 تن ترياك توليد نمود. پس از تسلط طالبان در سال1997 ميلادي، توليد ترياك 25 درصد افزايش يافته به حدود 2800 تن رسيد. اما در سال 2001 با حمله ايالات متحده آمريكا به افغانستان مقدار توليد به 185 تن رسيد كه كمترين ميزان طي دهه1990 بود.

اما اين تنها يك روند آني بود و در سال 2002 توليد به 2400 تن افزايش يافت. در زمان طالبان تنها 18 استان از 32 استان در اين كشور به كشت خشخاش مشغول بودند در حالي كه در دولت کرزای اين رقم به 28 استان افزايش يافت.

**جدول شماره 1. سطح زیر کشت تریاک در افغانستان بر حسب هکتار[[8]](#footnote-8)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | سال | سطح زیر کشت |
| 1 | 1990 | 41.300 |
| 2 | 2000 | 82.171 |
| 3 | 2001 | 606/7 |
| 4 | 2002 | 100/74 |
| 5 | 2003 | 000/80 |
| 6 | 2004 | 000/131 |
| 7 | 2005 | 000/104 |
| 8 | 2006 | 000/165 |
| 9 | 2007پيش‌بيني | 000/180 |

**جدول شماره 2 تولید تریاک در افغانستان بر حسب تن متریک[[9]](#footnote-9)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ردیف | سال | مقدار تولید | درصد افزایش |
| 1 | 1990 | 570/1 | ----- |
| 2 | 2000 | 276/3 | 108+ |
| 3 | 2001 | 185 | 94- |
| 4 | 2002 | 400/3 | 1737+ |
| 5 | 2003 | 600/3 | 5+ |
| 6 | 2004 | 200/4 | 6/16+ |
| 7 | 2005 | 100/4 | 3/2- |
| 8 | 2006 | 100/6 | 48+ |
| 9 | 2007پيش‌بيني | 300/8 | 36+ |

افغانستان در سال 2006ميلادی، با سطح 000/165 هکتار، در حدود 82 درصد از کل سطح زیر کشت این محصول را در دنیا داشته است؛ و نیز با محصول6100 تن متریک تریاک، 92 درصد از کل تریاک جهان در اين كشور توليد مي‌شد.[[10]](#footnote-10)

عوامل مؤثر در افزايش توليد و قاچاق مواد مخدر در افغانستان

عوامل متعددی در افزایش و قاچاق مواد مخدر در افغانستان وجود دارند كه مهم‌ترين آنها به شرح زير است:

1. عامل اقتصاد: مهم‌ترین عامل در افزایش مواد مخدر سود سرشاری است که کلیه بخشهای مرتبط با این صنعت از آن منتفع می شوند به طوری که:

الف ـ كشتكاران(کشاورزان افغان)3 تا 7 درصد؛

ب ـ فرآوران (كساني كه ترياك را به مرفين و هروئين تبديل مي نمايند) 3 تا 7 درصد؛

ج ـ فرآوران اصلي و مديران لابراتوارها 10 تا 15 درصد؛

د ـ حاملان اصلي در انتقال به خارج از افغانستان حدود 25 درصد ؛

ﻫ ـ حمل به توسط مافياي بين‌المللي جهت توزيع در بازار اروپا تقريباً 25 تا 30 درصد؛

و ـ در مجموع، عمده‌فروشان، واسطه‌ها و خرده‌فروشان20 تا 30 درصد.[[11]](#footnote-11)

گروههاي فوق از این تجارت سود برده‌اند.

2. سیاست : قدرتهای استعمارگر با هدف کنترل و سلب تحرک ملتهای تحت استعمار بر عرضة مواد مخدر می افزایند و از آن به عنوان سلاحی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می کنند.

3. دولت ایالات متحده در سال 2001 میلادی، بعد از اشغال افغانستان، مقادیر معتنابهی پول جهت همسو کردن قبایل جنوب افغانستان با سیاستهای ایالات متحده آمريكا به این قبایل پرداخت؛ و آن پول را این قبایل در صنعت سودآور مواد مخدر سرمایه‌گذاری كردند که یکی از علل اصلی بالا رفتن سطح تولید همین سرمایه‌گزاری در این صنعت بوده است.[[12]](#footnote-12)

علل ادامه كشت ترياك در افغانستان

سازمانهاي بين المللي و دولت كرزاي اقدامات پراكنده و محدودي را در خصوص مبارزه با كشت خشخاش و يا جايگزين نمودن آن صورت داده‌اند كه تاكنون نتيجه مطلوبي در بر نداشته و هر روز بر ميزان كشت و توليد اين مواد در افغانستان افزوده مي‌شود. علل گوناگوني در اين امر دخيل بوده‌اند كه ذيلاً به مهم‌ترين آنها اشاره مي‌شود:

1. عدم تبعيت سازمانهای دولتی از دولت مركزي در امر مبارزه با مواد مخدر؛

2. نبودن عزم ملي در اين خصوص؛

3. همكاري نكردن دولتمردان و نيروهاي مسلح با دولت مركزي؛

4. درگير بودن جنگ‌سالاران در تجارت ترياك جهت تأميــن هزينه‌ها؛

5. فقر اقتصادي و عقب ماندگی اجتماعی كشاورزان افغاني به طوری که آنها هیچ راه حل دیگری برای ادامه زندگی جز کشت خشخاش ندارند؛

6. پر هزينه بودن كشت ساير محصولات كشاورزي در مقایسه با كشت خشخاش؛

7. از بين رفتن زيرساختهاي اقتصادي افغانستان طي دو دهه جنگ و بيكاري گسترده كه باعث تمايل قاچاق ترياك براي كسب درآمـــد مي‌گردد؛

8. نقش باندهاي بين المللي قاچاق مواد مخدر در ترغيب كشاورزان به كشت خشخاش از طريق تهديد و تطميع؛[[13]](#footnote-13)

9. درگیر بودن افرادی از دولتمردان افغانستان با قاچاق مواد مخدر؛

10. همراهی نیروهای خارجی مستقر در افغانستان با مافیای مواد مخدر در انتقال مواد مخدر به خارج از این کشور به طوری که عمده محصول مواد مخدر از راه هوایی، که در اختیار نیروهای خارجی است، به خارج صادر می گردد.[[14]](#footnote-14)

آثار توليد و قاچاق مواد مخدر بر دولت افغانستان

همان‌طور که اشاره شد، تولید و تجارت مواد مخدر آثار متنوعی بر یک کشور دارد. باید توجه داشت که این تأثیرات از کشوری به کشور دیگر متفاوت‌اند و برای هر کشور پيامدهاي مختلفي دارند. در زير به مهم‌ترین این پیامدها بر دولت افغانستان اشاره می‌شود:

1. تجارت مواد مخدر افغانستان به عنوان منبع تأمین مالی گروههای مخالف دولت می‌باشد، به طوری که طالبان، سرسخت‌ترین مخالف دولت، از این راه حمایت مالی مي‌شوند و مي‌توانند به درگيري و جنگ با دولت ادامه دهند؛ و هرچه این گروه بتواند قدرت مالی خود را افزایش دهد قادر خواهد بود نیروهای بیشتر و سلاحهای مدرن‌تری برای نبرد مهیا نماید، که در بلندمدت این وضعیت می‌تواند بقای دولت افغانستان را به خطر بيندازد و حاکمیت دوباره در دست گروه طالبان قرار گیرد؛[[15]](#footnote-15)

2. مافیای بین المللی و قاچاقچیان داخل افغانستان برای ادامه تولید و تجارت مواد مخدر نیاز به ایجاد یک کشور بی ثبات دارند. این گروهها برای ادامه کار خود به راه انداختن جنگ داخلی و بحران در این کشور دست زده‌اند به طوری که از زمان تشكيل ارتش ملی افغانستان، نیروهای آن پيوسته با این گروهها درگیر بوده اند و دولت افغانستان مجبور است جهت مقابله با این گروهها هزينه هاي نظامي خود را افزايش دهد كه اين خود باعث فشار به اقتصاد ضعيف این کشور شده است. منابعي كه دولت مي‌تواند در جهت توسعه اقتصادي و اجتماعي هزينه كند بايد در اين راه صرف شود و این درگیریها باعث تشدید بی‌ثباتی در کشور می‌گردد، چیزی که گروههای درگیر در مواد مخدر خواهان آن هستند و این دور تسلسل همچنان ادامه می‌یابد. به طوری که هر جا بی‌ثباتی افزایش یافته مقدار کشت خشخاش نیز به تبع آن زیاد شده؛ و این افزایش کشت خود باعث افزایش بی‌ثباتی گردیده است.

3. در كنار اقتصاد رسمي و قانوني يك اقتصاد غير رسمي قرار دارد كه به آن اصطلاحاً اقتصاد سـايه[[16]](#footnote-16) مي‌گويند. اين اقتصاد امكان معيشت را براي شهروندان عادي در کشوری فقیر مانند افغانستان فراهـــم نموده است. معاملات پاياپاي، شغلهاي دوم اعلام نشده و فعاليتهاي اقتصادي، كه تحت كنترل دولت نيست و در آمار رسمي دولت انعكاس نمي‌يابد، از انواع فعاليتهاي اقتصاد سايه هستند. قابل ذكر است عمده فعاليتهاي اقتصاد سايه با قاچاق مواد مخدر در ارتباط است. اما اقتصاد سايه داراي نتايج منفي زيادي نيــز مي باشد. اقتصاد سايه در بيرون از سيستم مالياتي قرار دارد و، بنابراين، دولت را از درآمد ضروري و بسيار مورد نياز محروم مي‌كند، درآمدي كه مي تواند به ايجاد ظرفيت و توانايي دولتي كمك كند. علاوه بر اين، افرادي كه در اين اقتصاد غيرقانوني مشاركت دارند هدفهاي بالقوه اي براي افراد مافيا، كه در پي جذب نيروهاي جديد هستند، به شمار مي‌آيند.[[17]](#footnote-17)

4. تجارت مواد مخدر به علت سودآوری فوق‌العاده‌اش قادر است بر ساختار دولت از دو طریق تأثیر گذارد:

الف. با دادن رشوه و ایجاد فساد در بین دولتمردان که عواقب منفي فساد آن موجب كاهش توانايي دولت سازي، شكاف فزآينده بين مردم و نخبگان، عدم اعتماد و اطمينان به حكومت و اقتصاد بازار آزاد، راديكال شدن مخالفت سياسي و به انزوا كشيده شدن گروههاي جوانان و فعالان سياسي می‌گردد و پیامد این وضع می‌تواند به ایجاد یک دولت مافیايی تبدیل گردد.

ب. ایجاد یک دولت مافیایی که مشخصات آن فساد نخبگان سیاسی و رانت‌خواري است، در کنار ناتوانی دولت در حل مشکلات مردم در بلندمدت ایجاد نارضایتی عمومی خواهد كرد. در چنین اوضاع و احوالي جنبشهای اعتراضی با هر انگیزه‌ای از حمایت گسترده مردم برخوردار خواهد شده، که در نهایت مردم اقدام به سرنگونی دولت مرکزی خواهند نمود.[[18]](#footnote-18)

5. انباشت ثروت، كه از طريق تجارت مواد مخدر با سود بسيار زياد صورت مي‌گيرد، از توسعه سرمايه‌داري مشروع جلوگيري كرده با سخت‌تر كردن رقابت اقتصادي، كارآفرينان مشروع و سرمايه‌گذاري خارجي در افغانستان را دچار مشكل مي‌كند؛ و،‌ بنابراين، سرمايه‌گذاران تمايلي به اين كار نشان نخواهند داد. به طور خلاصه، سرمايه غيرقانوني با سرمايه قانوني مبارزه كرده آن را از صحنه خـــــارج مي‌كند، این در حالی است که دولت افغانستان، در نتيجة دو دهه جنگ، نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارد و فرار سرمایه خارجی باعث تضعیف فرآیند تقویت دولت ملی خواهد شد.

6. یکی از خصائص تجارت مواد مخدر خشونت و ایجاد بی‌ثباتی است چرا که این تجارت یک تجارت غیرقانونی است. ایجاد بی‌ثباتی ناشی از تجارت مواد مخدر می‌تواند به فرار سرمایه‌ها بينجامد؛ زيرا سرمایه‌گذاری تنها در محیط امن صورت می‌گیرد. به طوری که این وضعیت باعث شده روند سرمایه‌گذاری در این کشور سير نزولی داشته باشد و سرمایه‌گذاران به علت بی‌ثباتی به بیرون بردن سرمایه خود از افغانستان اقدام نمایند.

7. پرداخت پول از سوي نیروهای خارجی به قبایل افغانستان جهت همراهی با سیاستهای آنها و جلوگیری از مخالفت آنها با اشغال کشورشان باعث شده که این پول در تجارت پر سود مواد مخدر سرمایه‌گذاری گردد و آزمایشگاههای فراوری تبدیل تریاک به هروئین، که قبلاً در کشورهای همجوار افغانستان بود، به داخل کشور منتقل شود. مواد زائد حاصل از تبديل تریاک به هروئین، زماني كه به رودخانه‌ها ريخته يا در كناري انبار مي‌شود، به آبهاي سطحي نفــوذ کرده تأثيرات مخربي بر اكوسيستم محلي مي‌گذارد. این تخریب زیست محیطی بر دولت افغانستان از نظر اقتصادی برای بازسازی آن فشار بسياري وارد مي‌آورد.

8. تا قبل از دهه1990 میلادی، درصد معتادان به مواد مخدر در افغانستان بسیار اندک بود اما با افزایش تولید، اعتیاد در بین مردم افغانستان رواج زيادي يافته به طوری که بر اساس گزارش UNODC [[19]](#footnote-19) در سال 2007 میلادی 473 هزار افغانی معتاد به مواد مخدر بوده اند که این تعداد در حدود 4/1 درصد کل جمعیت افغانستان بوده است. این وضع هزینه‌های سنگین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسياري برای دولت افغانستان در پی دارد.[[20]](#footnote-20)

نتيجه‌گيری:

افغانستان در نتيجة دو دهه جنگ داخلي، تمامي زيرساختهاي اقتصادي خود را از دست داده و كشاورزان افغان به علت فقر فزاينده به كشت خشخاش، كه سود فراواني دارد، روي آورده اند. البته عواملی دیگر مانند حضور نیروهای خارجی منجر به تشدید تولید و تجارت مواد مخدر در این کشور گردیده است. پیامدهای این وضع برای دولت افغانستان بسیار نامطلوب است به طوری که اکثر ساختارهای این کشور تحت تأثیر تولید مواد مخدر قرار گرفته است. دولت افغانستان دارای وضعیت شکنده‌ای است و تجارت مواد مخدر به عنوان یک اهرم مالی مخالفان دولت است و آنها از این منبع تغذیه می‌شوند.

تجارت مواد مخدر باعث تقویت تروریسم و بی‌ثباتی در این کشور گردیده به طوری که حتی در آینده‌اي نه‌چندان دور بقاء حکومت افغانستان را به خطر خواهد افکند. نا امنی و بی‌ثباتی باعث فرار سرمایه‌ها از این کشور جنگزده شده و سرمایه‌گذاری خارجی، در چند سال اخیر، به شدت کاهش یافته و عقب‌ماندگي اقتصادی و فقر فزاینده مردم از سوی دیگر باعث رشد تولید مواد مخدر شده است.

به طور خلاصه، می‌توان گفت تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان تبدیل به اقتصاد سیاسی شده است. پديده مواد مخدر (توليد، توزيع و مصرف) به شكل يك نظام اجتماعي است كه تأثيرات عميقي بر تمام اركان جامعة افغان گذاشته است. صورت مسئله اين پديده عبارت است از وجود يك معادله اقتصادي ـ اجتماعي كه عبارت است از عرضه و تقاضا. البته بايد توجه داشت كه منطق عرضه با منطق تقاضا كاملاً متفاوت است. این بحران، برخلاف دیگر بحرانهای اجتماعی ـ سیاسی که شاید در یک بعد یا چند بعد جامعه اثرگذار باشد، در تمام ابعاد یک جامعه تأثیر می‌گذارد.[[21]](#footnote-21)

1. \* مجيد بوالوردي كارشناس ارشد مطالعات آسياي مركزي و قفقاز. [↑](#footnote-ref-1)
2. 1. گروه کشورهای G8 شامل ایالات متحده آمريكا، فرانسه، آلمان، ژاپن، انگلستان، روسیه، کانادا و ایتالیـــا می‌باشد. [↑](#footnote-ref-2)
3. . محمد زكريايي. جامعه‌شناسي اقتصاد تبهكاران.فصلنامه اعتيادپژوهي، س 4، دوره 1،‌ پاييز 1382. [↑](#footnote-ref-3)
4. . زكريائي، همان. [↑](#footnote-ref-4)
5. . احمد رشيد. طالبان. ترجمه نجله خندق. تهران، بقعه، 1382. [↑](#footnote-ref-5)
6. . رشيد، همان. [↑](#footnote-ref-6)
7. . Orozbek Moldaliev, “Terrorism today: How it is Financede” Tournal of central Asia and Caucasus, No (2) 26, 2004. [↑](#footnote-ref-7)
8. . http://www.unodc.org/pdf/research/wdr07/WDR-2007.pdf [↑](#footnote-ref-8)
9. 1. ibid [↑](#footnote-ref-9)
10. .org/pdf/research/wdr07/WDR-2007.pdf <http://www.unodc>1. [↑](#footnote-ref-10)
11. . فريبرز رئيس‌دانا. حمل و نقل مواد مخدر. مجله صنعت حمل و نقل. ش 221، ديماه 1381. [↑](#footnote-ref-11)
12. 1. سخنرانی وحید مژده در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (آبان ماه1386) به گفته وی این مبلغ در حدود 10 میلیارد دلار بوده است. [↑](#footnote-ref-12)
13. . <http://www.eurasia.org/Rising> Drug Flow out of Afghanistan threatens central Asia Neighbors / to dd Diamond 12.06.2004. [↑](#footnote-ref-13)
14. 1. مژده ، پیشین . [↑](#footnote-ref-14)
15. . http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8606240104 [↑](#footnote-ref-15)
16. 1. Shadow Economic [↑](#footnote-ref-16)
17. . yair Eilat and Clifordzinness “the shasow Economy in transition countries http://www.hiid.edu. [↑](#footnote-ref-17)
18. . محمدرضا گلشن‌پژوه، عباس كاردان. گسلهاي منازعه در آسياي مركزي و قفقاز جنوبي. تهران، ابرار معاصر، 1382. [↑](#footnote-ref-18)
19. . United National Office on Drugs and Crime [↑](#footnote-ref-19)
20. . http://www.unodc.org/research/wdro 7/WDR-2007.pdf [↑](#footnote-ref-20)
21. . مجيد بوالوردي. بحران مواد مخدر در آسياي مركزي و تأثيرات آن بر جمهوري اسلامي ايران. پايان‌نامه كارشناسي ارشد، دانشكده روابط بين‌المللي وزارت امور خارجه، (1383). [↑](#footnote-ref-21)